

بناہ آنکہ جان را فکرت آموخت

امنیت غذایی و چالش حکمرانی در بخش کشاورزی ایران

مسین شیرزاد

نگاهی به برخی سیاست های جاری

- در مقطع زمانی فعلی، "تغییر پارادایم درسیاست های بخش کشاورزی کشور" علی رغم انباشت مطالبات ذی مدخلان و ذی نفعان و فشار افکار عمومی هم از منظر استراتژیک و هم از نظر تاکتیکی دشوار به نظر می رسد. سیاست های مداخله مستقیم در بازار، منبث از آموزه های دهه ۵۰ و تعیین قیمت دستوری، و بدنبال آن از سال ۱۳۶۸ سیاست خرید تضمینی به اوج خود رسیده است.
- سیطره برنامه های زمین محور، کشاورزی فشرده با وجود محدودیت های منابع پایه، فشار پیامدهای تغییر اقلیم و گرمایش عرض های جغرافیایی بالا و "عارضه اقتدار از دست رفته" در سیاستگزاری آب و زمین با کاهش سرمایه اجتماعی بهره برداران آسیب دیده است.
- تضعیف سیاست های اجتماعی، اقتصادی و اجرایی در سطوح کلان، میانه و خرد کشاورزی کشور و تساهل در امور جاری؛ نظام اداره امور در کشاورزی کشور را به ضعف تدریجی در حکمرانی کشانده است.
- از اوایل دهه هشتاد، سیاست عقب نشینی تدریجی دولت از خدمات فنی و یارانه ای در بخش کشاورزی و افزایش قیمت تمام شده محصولات کشاورزی و تضعیف مزیت های نسبی تولید؛ بدلیل پایین بودن بهره وری شیوه های تولید و کارایی نازل عوامل تولید روبرو شده و توان پایینی برای رقابت جهت اثر بخش در اکوسیستم اقتصاد ملی دارد.

سیاست امنیت غذایی به مثابه هسته داغ حکمرانی کشاورزی در عصر آنتروپوسن

ورود کشور به ساختار تاریخی آنتروپوسن (تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیتهای انسانی) و کشاورزی به عنوان عمده ترین محرک تغییر؛ از طریق فشارهای انسانی به محیط زیست، اکوسیستم‌ها، محدودیت منابع پایه را به سطوح بالاتر از اکوسیستم رسانده و با پدیده «درهم آمیختگی» و انباشت بحران‌های آبی-خاکی، خشکسالی، رشد استهلاک، تغییرات اقلیمی، ورشکستگی آبی، و بحران دشت‌ها روبرو هستیم.

حدود ۱۰.۵ درصد از اراضی ایران برای فعالیت های کشاورزی مناسب تلقی می شود. تنها ۲.۶ درصد به عنوان زمین های کشاورزی بسیار خوب (۰.۴٪) یا خوب (۲.۲٪) طبقه بندی می شود. سطح زیر کشت زراعی و باغی به ترتیب ۶٪ و ۱.۴٪ از مساحت کل کشور را تشکیل می دهد. ایران به طور متوسط کمتر از یک سوم متوسط بارندگی جهانی را دریافت می کند و ۸۷ درصد نقاط کشور سالانه کمتر از ۱۰۰ میلی متر باران دریافت می کنند. در حال حاضر حدود ۲۰ درصد از مشاغل کشور مربوط به بخش کشاورزی است که بیش از ۸۰ درصد از کل برداشت آب ایران را مصرف می کند و تقریباً ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد

«سیاست تاب آوری نازل از منابع بخش کشاورزی» در سطح ملی

سیاست تاب آوری نازل از منابع بخش کشاورزی در پهنه ای حدود ۶ میلیون هکتار دیمزارها، و بیش از ۸ میلیون هکتار اراضی فاریاب و معادل ۸۶ میلیارد مترمکعب در سال آب تخصیصی با راندمان آبیاری ۳۸ درصد (حدود ۲۸ درصد اضافه برداشت) و این تاب آوری بسیار شکننده است زیرا حدود ۹۰ درصد از تولیدات گیاهی کشور در اراضی فاریاب به عمل می‌آید. عمده اراضی زراعی و باغی کشور مشکل کمبود مواد آلی خاک داشته، حتی بیش از نیمی از خاک اراضی کشاورزی کشور ماده آلی کمتر از نیم درصد دارد و بیش از ۲۵ درصد از عرصه‌ها مشکل شوری خاک دارند. به طور میانگین دو میلیارد تن در سال فرسایش خاک در کشور و میزان فرسایش خاک در ایران ۱۶.۷ تن در هکتار است که چهار برابر میانگین جهان است. در سطح تمامی دشتهای زراعی کشور با افت و کسری مخزن سفره‌های زیرزمینی روبه‌رو هستیم. حدود ۷۶۶ هزار چاه فعال در عرصه کشاورزی داریم که ۳۸۵ هزار مورد آن غیر مجاز است. در یک دهه اخیر کاربری بیش از ۱ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی و باغی کشور تغییر کرده که حدود ۲۰۰ هزار هکتار آن غیرمجاز بوده و طی سه دهه بیش از ۱۵ درصد از اراضی کشاورزی کاهش و به شهرها، صنایع و غیره ملحق شده است. تاب آوری حداقلی و ناپایداری در امنیت مناسبات تولید در بخش کشاورزی بسیاری از زنجیره های پستین

سیاست سرمایه گذاری اقتضایی در بخش کشاورزی

طی یکدهه گذشته تشکیل سرمایه ثابت در بخش کشاورزی، دچار نقصان گشته و حدود دوازده سال است که رشد استهلاک در بخش کشاورزی از رشد تشکیل سرمایه ثابت، پیشی گرفته است. این یک زنگ خطر بزرگ محسوب میگردد. بنابراین امنیت سرمایه گذاری (داخلی و خارجی) بخش کشاورزی بخاطر تحریم های مستمر و نرخ بازده پایین و حاشیه سود کم رمق، دچار مشکل است. پروژه‌های این بخش همیشه به نقصان در تامین مالی برخورد می‌کنند. ما تنها یک بانک مونوپول تخصصی در حوزه کشاورزی داریم که قادر نیست از همه سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان بخش به نحوی مطلوب حمایت کند. بنابراین امنیت مالی در بخش کشاورزی دچار مشکل شده؛ لذا اعتبارات و هدایت سرمایه‌گذاری در این بخش نیز دچار چالش جدی است.

کشاورزی فاقد استفاده از ابزارهای جدید مالی، جوینت ونچرها و مشارکتهای کنسرسیومی، امکانات بازار سرمایه، صندوق‌های سپرده کالایی، صندوق‌های مخاطره پذیر کشاورزی، مزیت‌های بورسی و بازار بدهی‌هاست.

فقدان موسسات و نهادهای مالی پر قدرت در بخش کشاورزی

فقدان نهادسازی مالی در حوزه کشاورزی با هدف کاهش ریسک و پوشش انواع خطرات پیش روی سرمایه گذاران، بهره برداران و تجار کشاورزی به عنوان ترتیبات نهادی “نظامات مکمل اعتباری”؛

در کنار «بانک های تخصصی کشاورزی»، «شرکت های تامین مالی و لیزینگ کشاورزی»، «شرکت های ضمانت اعتباری» و «صندوق های حمایت از توسعه کشاورزی و صندوق مخاطره پذیر»، **صندوق های ضمانت سرمایه گذاری کشاورزی:**

فقدان ضمانت هادر دو بخش **اعتباری و پیمانکاری**: ضمانت های اعتباری (تسهیلات بانکی سرمایه ثابت و در گردش) جهت پوشش کسری وثیقه تسهیلات اعطایی؛

صدور ضمانتنامه اعتبار خریدار (نهاده ها) به نفع بهره برداران کشاورزی و تامین کنندگان نهاده و فراهم آوری امکان خرید اعتباری و نسبه و ضمانت نامه های پیمانکاری نظیر ضمانت نامه شرکت در مزایده، مناقصه، حسن انجام کار و پیش پرداخت برای اجرای انواع قراردادها در کشاورزی قراردادی و کشت فرا سرزمینی، ضمانت نامه گمرکی، ضمانتنامه های قضایی، ضمانت نامه استرداد کسور وجه الضمان (بیمه، مالیات) با شرایط سهل تر از سیستم بانکی به نفع فعالین اقتصادی

زنجیره های ارزش کشاورزی

ناتوانی بخش کشاورزی در استفاده از ابزارهای نوین مالی طراحی تازه ای از ترکیب ویژگی های اوراق بدهی، سهام و اوراق مشتقه، ابزارها و امکانات مالی

- **استراتژی تشکیل سبد هوشمند از ابزارهای مالی در کشاورزی ایران :** اوراق آتی، اوراق مشتقه، اوراق رهنی، صکوک، گواهی سپرده و اوراق مشارکت کشاورزی، طراحی اوراق بهادار قراردادهای مزارعه و مساقات، صکوک استصناع و صکوک مضاربه در تأمین مالی صادرات محصولات کشاورزی، لیزینگ (Leasing) یا (اجاره به شرط تملیک)، فروش اقساطی (Instalment Sale) مکانیزاسیون زراعی، نوسازی کشتی های ماهیگیری، نوسازی ناوگان حمل و نقل بهداشتی محصولات کشاورزی، احیای خطوط اعتباری (Line of Financing) در بخش کشاورزی، طراحی ابزارهای نوین مالی برای تامین مالی زنجیره ارزش بخش کشاورزی مثل انواع اوراق مشارکت با نرخ تنزیل ثابت و غیر ثابت، مساقات، مزارعه، فاکتورینگ و اقسام صکوک؛ که می توانند در این حوزه خیلی قوی عمل کنند ابزارهای تعدیل ریسک و ضمانتهای لازم

- **تامین مالی خارجی؛** روش های قرضی تامین مالی چه تامین مالی پروژه ای (فاینانس، ریفاینانس، یوزانس، خطوط اعتباری، وام های بین المللی) و روش های غیر قرضی تامین مالی خارجی نیز مانند سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی، و سرمایه گذاری جسورانه (VC) یا انواع شتاب دهنده ها (Accelerators)، فرشتگان کسب و کار (Angel investors)، تامین مالی جمعی (Crowdfunding) در کشاورزی

سیاست نظام های بهره برداری مطلوب در کشاورزی

- طی پنجاه سال اخیر، نظامات بهره‌برداری در کشور دچار دگردیسی شده است ولیسیاست گذاران غافل هستند. به عنوان مثال نظام بهره‌برداری اجاره داری به شدت رواج یافته اما هیچ گونه قواعد و تنظیماتی برای سیستم اجاره داری نداریم.
- سردرگمی در جهتگیری به سمت نوع مشخصی از نظام بهره برداری (تعاونی تولید، شرکتهای سهامی زراعی، کشت و صنعتها، هولدینگهای چندمنظوره زنجیره ارزش)،
- نظام بهره برداری گلخانه ها، تولید ماهی در قفس، ماهیان سردآبی، زراعت چوب حتی نظام های مدرن مرتعداری همچنان بلا تکلیف است.
- نظام های بهره برداری از کشاورزی (فاقد حد نصاب های اقتصادی و فنی).
- حرکت به سمت نظام بهره برداری کارخانه ای یا زراعت کارگاهی (بدون خاک، حداقل آب و محصول سالم) نیاز به بسته سیاستسگزاری حمایتی دارد.

سیاست آمایش تولید در نظام‌های بهره‌برداری کشور

کشاورزی ایران یک پارادوکس دارد که نمی‌داند با آن چکار باید بکند. یکی **آمایش تولید** است و یکی **الگوی کشت**. بخاطر اینکه تعادلی بین تولید خرده‌پایی و تولید بزرگ مالکی وجود ندارد. یکی دیگر اینکه **۹۶ درصد** از تولیدات بخش کشاورزی ما تولید خانوادگی است. حکمرانی متعارف نتوانسته تعادلی بین شخصیت‌های حقیقی و حقوقی فعال در این حوزه ایجاد کند. نهادهای مدرن و شرکتهای تخصصی سهامی می‌تواند مناسبات نوین شرکت‌داری را در این حوزه وارد کند و بخشی از این تولیدات خانوادگی را به سمت شخصیت‌های حقوقی با ساختار ترازنامه ای قوی و ترکیب سهامداری مشخص، هدایت کند.

الگوی کشت با وجود عدم تحویل حجمی آب به بهره‌برداران در زمان و مکان مورد نیاز و عدم برنامه‌ریزی فرابخشی در کشور در راستای **مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز** تقریباً نقشی در تولید بازی نمی‌کند و الزامات قانونی تولید مسئولانه فراهم نیست. آمایش تولید استانی بصورت غریزی و عرفی وجود دارد و عمدتاً متناسب با توان اکولوژیکی سرزمین نیست نیاز به گفتگوی ملی پیرامون آب

کشور ۸۵ میلیونی ایران در سال نیاز به **۱۵۲ میلیون تن** مواد غذایی نیاز دارد که از این میزان **حدود ۱۳۲ میلیون تن** را تا کنون توانسته تولید نماید. بنابراین کشور با **کمبود ۳۴ میلیون تن** محصولات غذایی روبروست. البته در برخی از رشته‌های تولیدی نیز در برخی از سالها با **مازاد تولیدی معادل ۱۴ میلیون تن** روبرو هستیم که عمدتاً صرف صادرات میشود. **بطور کلی ۷ قلم از ۱۰ قلم عمده واردات** کشور را **محصولات آماده مصرف کشاورزی** تشکیل می‌دهند. اما عرضه نامناسب محصولات تولیدی بدلیل فقدان باراندازهای مدرن، حضور کم رمق استارت‌آپ‌ها، فقدان شبکه حمل و نقل تخصصی و کارگویی کشاورزی، ناکارآمدی شبکه توزیع سنتی، الگوهای نادرست مصرف در کنار دو پدیده دسترسی فیزیکی به غذا و توان اقتصادی خرید غذا در کنار لجستیک غذا (نگهداری، ذخیره سازی، استاندارد و مقررات، رگولاتوری باقیمانده سموم و تحقیقات غذا) از بغرنجی‌هایی هستند که سیاستگذار باید بتواند بطور جدی بدان بیانديشد.

سیاست اجتماعی در بخش کشاورزی مناسبات کارگری/کارفرمایی در تولید

- فقدان شرکت‌های پر قدرت در زمینه تامین اجتماعی روستایی و کشاورزی
- بیمه عمر روستاییان،
- بیمه بازنشستگی روستاییان
- بیمه از کارافتادگی (جزئی و کلی) کشاورزان
- بیمه بیکاری کشاورزی
- بیمه درمان روستایی
- بیمه تکمیلی درمان
- تور حمایتی منسجم و نظام تامین اجتماعی قوی برای بهره برداران کشاورزی وجود ندارد.

سیاست حضور نهادهای قوی انجمنها، اتحادیه ها، کنفدراسیون ها در اکوسیستم کشاورزی

بسیاری از نهادهای ما اگرچه نام اتحادیه، تعاونی، اتحادیه مرکزی، کنفدراسیون، مجمع و انجمن ملی و یا اسامی از این دست را یدک میکشند اما به دلیل ساختار ضعیف، تفکر سنتی و بی قدرتی و انزوای تاریخی شکل ها در حوزه کشاورزی؛ کارکرد متعارف یک شکل یا اتحادیه پر قدرت و نقش پررنگ در مناسبات قدرت در بخش کشاورزی بازی نمی نمایند.

نهادهای اجتماعی کشاورزی به شکل زائده ای از سیستم بوروکراسی درآمده اند. این نهادسازی؛ ضعف ساختاری و اشکال برنامه ریزی دارد، ناتوان است، قدرت چانه زنی ندارد. به سختی مسئولیت می پذیرد و پاسخگو نه در برابر اعضا و کشور نیست. این نهادها در حکمرانی جدید باید به شکلی اساسی تغییر ساختار و برنامه در راستای ظرفیت سازی و توانمندسازی بدهند.

سیاست پوشش ریسک و عدم امنیت محصولات و سازه‌های تولید

کشاورزی کشور نیازمند پوشش ریسک و کاهش عدم قطعیت در چهار حوزه
میباشد:

بیمه محصولات کشاورزی با ضریب نفوذ حداکثری

بیمه ادوات و سازه‌های بخش کشاورزی (به طور خاص پوشش
سازه‌های پر خطر)

بیمه لجستیک تولید زنجیره تامین و بیمه باراندازهای مدرن، زنجیره‌های
سرد، کریدورهای تجاری، حوزه‌های ترانزیتی محصولات کشاورزی و
کارگوهای تخصصی

بیمه قیمت محصولات کشاورزی

فقدان مناسبات بازاری نوین

مدرن سازی بازار کشاورزی حضور نهادهای خصوصی در بورس های کالایی ملی و بین المللی، باراندازهای مدرن، زنجیره ارزش سرد، لجستیک تخصصی حمل و نقل ترانزیتی و ترانشیپی و کارگو کشاورزی است. مناسبات بازاری امروزین بسیار قدیمی است مداخلات سنتی (خرید تضمینی، توافقی، انواع خریدهای حمایتی، قیمت های دستوری) به تضعیف بخش خصوصی انجامیده. این نهادهای غیر دولتی هستند که می توانند از ظرفیت های بازار بدهی استفاده کنند و فرایندهای تاخیری را در مناسبات نوین بازاری بکار گیرند، دولت می تواند بواسطه رگولاتوری از منابع داخلی بانکها، خطوط اعتباری خاص یا ظرفیت های رانتیر بازاری برای حمایت از بخش خصوصی استفاده کند.

ناوگان ترانزیتی بخش کشاورزی فرسوده است و نیاز به بهسازی و نوسازی دارد. فقدان شرکت کارگو، شرکت حمل و نقل ملی کشاورزی به خصوص در نقاط جغرافیایی که مازاد تولید داریم، به خصوص در این زمان که سیاستها بر افزایش حداکثری تولیدات کشاورزی متمرکز است، حضور این نهادها دخیل در لجستیک بسیار مهم میباشد. اکوسیستم تجاری کشاورزی ایران فاقد شبکه لجستیک برای محصولات کشاورزی تازه است و پیکربندی شبکه ای بین بازیگران زنجیره تامین وجود ندارد.

سیاست فناوری و دانش کشاورزی (مسئله شکاف تکنولوژی)

دو نوع سندرم در حوزه فناوری کشاورزی داریم، سندرم عقب افتادگی تکنولوژیک و سندرم کهنگی تکنولوژیک. این دو گونه عارضه جنس شان با هم فرق دارد. اگر این دو نوع توازن شان بهم بخورد، شکاف فناوری بوجود می آید امروزه این توازن بهم ریخته است.

حضور در میدان تکنولوژی های پرمخاطره و انواع سرمایه گذاری های خطر پذیر در بخش کشاورزی ناقص است. تاسیس یک صندوق سرمایه گذاری پرمخاطره بخش کشاورزی با منابع پر قدرت و با نسبت های اهرمی بالا می تواند پرتفوی ریسک سرمایه گذاری فناوری ها را در بخش کشاورزی تعدیل نماید.

فناوری های آینده در چشم اندازهای بیست ساله در اقتصاد دریا محور در تولید انواع جلبک ها و تولید انواع حشرات دارای پروتئین بالا برای خوراک دام و طیور و آبزیان؛ گوشت مصنوعی در هر حال هر کدام از مسایل فوق نیاز به نقشه راه و برنامه ریزی و مستر پلان دارد

دیپلماسی غذا و برنامه ریزی منسجم در کشت فراسرزمینی

برای امنیت غذایی کشور راهی به غیر از سیاست جامع و هدفمند برای کشت فراسرزمینی وجود ندارد.

بحث جستجوی امنیت غذایی ورای پهنه های تولید سرزمینی کشور یا "لند گراینگ" حضور شرکتهای خصوصی و خصوصی در دو بخش تولید و سیلو کردن و ترانشیپ محصولات در سرزمین میزبان مدل عربستان یا چین

لزوم اتخاذ "دیپلماسی کشاورزی" مشخص و راهبردی، اجرایی نمودن کنوانسیون RKC، اعتبارسنجی و شناسایی فعالین اقتصادی مجاز، تشویق بخش خصوصی، ایجاد صندوق اوراسیا، طراحی مکانیزم های ضمانت و بیمه، تشکیل کنسرسیوم های صادراتی، تقویت لجستیک، مالی - بانکی، حقوقی، تشکیل شرکتهای حمل و نقل صادرات محور، تقویت حمل و نقل ریلی و جاده ای، همکاری های گمرکی، اقدامات فنی فراراه تجارت آزاد و تطابق استانداردها و اقدامات بهداشتی (حفظ نباتات - دامپزشکی)،

در آینده باید در سه حوزه برون مرزی تصرفات آبی grabbing Water و تصرفات زمینی grabbing Land تصرفات سبز Green grabbing بصورت قواعد حقوقی اجاره، خرید زمین یا اخذ امتیاز بهره برداری

➤ حضور سازمان های غیر دولتی، صندوق های بازنشستگی، تراست های مالی و شرکتهای چند ملیتی غذایی و سرمایه گذاران نوظهور

➤ پیوستگی با استانداردهای WTO محور و انتگره شدن منطقی زنجیره ارزش کشاورزی ملی به "زنجیره ارزش تولید-تجارت جهانی کشاورزی GVCS، انکشاف بازارهای جدید و کشف کریدورهای سبز مطمئن برای حصول به امنیت غذایی ملی؛ که به ایجاد زنجیره تامین داخلی جامع تر

➤ لزوم تحرک دیپلماتیک در بخش کشاورزی، وسعت بخشیدن به عمق راهبردی مذاکرات آتی به میدان کشت فرا سرزمینی، تنوع بخشی به ابزارهای تعرفه ای، لجستیک موثر و کارآمد، رعایت استانداردهای جهانی، کیفیت، بسته بندی و قیمت رقابتی

سیاست تجاری محصولات کشاورزی

تراز تجاری منفی در بخش کشاورزی: سیطره واردات و دست بالای وارداتی‌ها در اقتصاد سیاسی کشاورزی، دوم ارزش افزوده پایین محصولات صادراتی بخاطر خام فروشی؛ چون سیاستهای ما فاقد برنامه جامع ایجاد پالایشگاه‌های محصولات کشاورزی است و فهمی از پالایشگاه غلات و پالایشگاه گیاهان دارویی (با وجود ۸۰۰۰ گونه گیاهی موجود در کشور که ۲۰۰۰ گونه اش ویژه فون و فلور ایران است) یا پالایشگاه شیر و محصولات لبنی نداریم. از ایجاد ارزش افزوده بیشتر و صادرات فراوری شده عاجزیم

فقدان سیاست تولید صادرات محور

فقدان موسسات و شرکتهای پر قدرت بخش خصوصی در حوزه صادرات

فقدان شرکتهایی در فناوری های جاری مثل انواع ویتامین ها، ریزمغذی ها، نهال، کود و سم که کشور وابستگی دارد وارد شود و در زنجیره فرایندهای پسین یا پیشین کشاورزی نقش ایفا نماید یا درجه وابستگی را به حداقل رسانده و یا خود کفایی را عینی سازد.

ناتوانی شرکتهای در برندسازی، استاندارد سازی تحول در نظامات انبار داری و سیلویی ذخایر کشاورزی، احداث پایانه های عظیم صادراتی در مبادی مرزی کشور به کمک تاسیس شرکتهای مدیریت صادرات کشاورزی (نه شرکتهای بازرگانی کشاورزی به بازارهای هدف منطقه ای

مروری بر ۶ زنجیره ارزش بین المللی در ساختار کشاورزی کشور ایران

در “زنجیره پروتئین و تولید گوشت قرمز”، وابستگی قابل توجهی دارد. ساختار مونتاژی-جزیره‌ای صنعت طیور و موانع قانونی موجود برای توسعه زنجیره‌ها و اینکه تولید گوشت مرغ به میزان ۸۰ درصد وابسته به نهاده‌های وارداتی است. در کنار نیاز کشور به واردات گوشت قرمز که حدود ۹۵۰ هزار تن می‌باشد. همچنین محدودیت تولید گوشت قرمز با توجه به محدودیت منابع آبی و تخریب مراتع، در کشور این زنجیره را در چمبره محدودیت‌ها قرار داده است.

در “زنجیره غلات”؛ اگرچه در تولید گندم و برنج با مدیریت مناسب به خودبستگی رسیده ایم اما در تولید جو، گندم دامی و ذرت وابسته ایم و به واردات حدود ۲۱ میلیون تن علوفه به ارزش تخمینی ۷ میلیارد دلار نیازمندیم.

در “زنجیره لبنیات”، کشور مشـکل چـندانـی وجـود نـدارد،

در “زنجیره روغن و چربی”، هم در الگوی ملی مصرف مشکل داریم و هم در الگوی کشت و در تولید دانه‌های روغنی مانند کلزا و سویا با واردات سالیانه یک و نیم میلیون تن تا مرز ۸۸ درصد وابسته ایم. در ذخیره سازی روغن نیز یکی از معضلات ما حجم مخازن است بگونه ای که عمده مخازن ما ۱۰ هزارتنی بوده و فقط ۶۰۰ هزارتن از مخازن کشور ۲۰ هزارتنی میباشد.

در “زنجیره قند و شکر”، جدای از آنکه در الگوی مصرف مشکل داریم در تولید نیز به دلیل رقابت میان کشتهای جایگزین و عدم تدوین بنیان‌های حقوقی و عملیاتی کشاورزی قراردادی بسیار ناپایداریم.

مروری بر ۶ زنجیره ارزش بین المللی در ساختار کشاورزی کشور ایران

. در "زنجیره میوه، سبزی و صیفی" نیز اگرچه بخوبی و با استانداردهای بین المللی تولید میکنیم اما جریان عملیاتی زنجیره سبزی-صیفی و میوه از مشکلات حادی در رنج است و در برداشت صحیح، نوع بسته بندی، بازاریابی، بازاررسانی و کنترل ضایعات به شدت ناتوانیم. مجموع ضایعات بخش کشاورزی کشور با احتساب ۲۸ درصدی تلفات معادل ۳۰ میلیون تن است که معدل ۲۴ درصد از کل سطح زیر کشت کشور و ۳۲ درصد از کل آب تخصیص داده شده به بخش کشاورزی رادر برمیگیرد و معادل غذای ۱۸ میلیون نفر است. مآلا اینکه برای تبدیل ضایعات به علوفه هیچ کار منسجمی صورت نگرفته است. طی دو سال گذشته کمبود ارز بدلیل تحریمهای ظالمانه؛ شوکهای مقطعی به تولید کشاورزی وارد نموده است. وابستگی ارزی در زمینههای خرید لیزین، میتیونین، تریپتوفان، پروبیوتیکها، تولید انواع ویتامینها، واکسنها بطور متوسط ۶۵۰ میلیون دلار میباشد که با اندکی مشارکت و همکاری بخش خصوصی با دولتی قابل رسیدن به خودکفایی و ساخت در داخل میباشیم. در زمینه واردات سموم و آفت کشها هم بطور متوسط سالیانه ۲۵۰ میلیون دلار نیاز ارزی داریم. همچنین با تخمین میتوان گفت که واردات کلیه کالاهای اساسی حدود ۱۲ میلیارد دلار ارز نیاز دارد

سیاست حکمرانی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی نسل چهارم

حکمرانی شبکه ای و ریزوماتیک در نسل چهارم اگرچه پیچیده است ولی کارآ تر بوده و مشارکت برد- برد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی با همکاری شرکتهای بین المللی را با خود به ارمغان خواهد آورد و میتواند به کمک تاسیس شرکتهای کشاورزی دقیق و کشاورزی هوشمند عنصر کارایی را وارد نظام تولید نماید و بمتابه دروازه ورود تکنولوژی و فرهنگ جدید کشاورزی نسل سوم و چهارم جهت تحول کشاورزی کشور نقش ایفا نماید.

«کشاورزی هوشمند»، «کشاورزی دقیق»، «کشاورزی دیجیتال» بدون سرمایه گذاری مطلوب در زنجیره ارزش؛ اختراعات رباتیک، اکتشافات، دانش فنیترونمیکس، فنآوری‌های هوش مصنوعی و نوآوری‌های اینترنت اشیا قوام نمی یابند «تکنولوژی‌های جاری» رو به استهلاک می‌روند و امکان استفاده از «تکنولوژی‌های آینده ساز» مانند اقتصاد آب محور، تولید میکرو جلبک‌ها، حشرات مفید، تراریخته‌های غیر مضر و قانونی، گوشت مصنوعی، آکوآکالچر و مزارع دریایی از دست می‌رود. ایران عزیز ما به زودی به جمعیت یکصد میلیونی نزدیک میشود؛ خیلی دیر نیست. لذا باید برای امنیت غذایی کشور به دنبال افکار تازه، راهکارهای نو و بدیل‌های جایگزین و منطقی گشت.